

# سرود چیستا

علی اکبر جعفری

در اوستا سرودی به نام «دین یشت» داریم که همه در ستایش چیستا است، زیرا چیستا همان دین بهی مزدآپرستی است، زیرا دین دانش است، و دانش دین. این سرود از دانش جویی و دانش پژوهی اشو زرتشت، هووی عمسر مهربان آن وخشور، موبدان دین گستر و کشور داران آشتی پرور سخن می دارد و از خوبی هایی که از دانش و دریافت به دست می آید، یاد می کند. دینی که بر دانش و بینش استوار باشد، باید انگیزه و باعث پیشروی مادی و معنوی جهان باشد. باری این سرود نشان می دهد که ادب فارسی برخی از بلند پروازی های خود را از کجا آموخته! ترجمه آزاد است و کوتاه شده. برای آگاهی بیشتر، نگاه کنید به «یشت ها - جلد دوم - دین یشت» از شادروان استاد پور داود.

۱. گرامی باد، گرامی  
دانش درونی مزدا داده!  
که درست ترین است و راستین  
رهبر نیک است و پیشبر نیکو،  
که از آلودگیها پاک و پاکیزه گرداند  
و انسان را سبک به نیایش بردارد،  
که هنر آفریند و نام آورد  
و کار آسان سازد و تند انجام دهد،  
که همبستگی پدید آورد و یگانگی بخشد،  
چون آن دین بهی مزدآپرستی است.

۲. گرامی باد، گرامی

دانش درونی مزدا داده!  
آن را بستود اشو زرتشت  
از جای خود برخاسته  
از خانه بیرون شتافته  
ای دانش مزدا داده  
ای درست‌ترین، ای راستین  
اگر در پیش منی، بمان تا بیایم  
اگر دنبال منی، بمانم تا بیایی.

۳. گرامی باد، گرامی  
دانش درونی مزدا داده!  
بشود آشتی از آن ما باشد  
و ما را پیوند پایدار نیک بخشد.  
بشود راه‌های زمینی همه هموار  
راه‌های دریایی همه آرام  
راه‌های کوهستانی همه آسان  
راه‌های جنگلی همه آسوده باشد  
تا با آموزش و پرورش  
با راهنمایی و مهربانی  
همه را روشن سازیم.

۴. گرامی باد، گرامی  
دانش درونی مزدا داده!  
آن را بستود اشو زرتشت  
از برای اندیشه نیک  
از برای گفتار نیک  
از برای کردار نیک.

۵. گرامی باد، گرامی  
دانش درونی مزدا داده!  
که زرتشت را

زور در پای و نیرو در دست،  
شنوایی در گوش و بینایی در چشم،  
درستی در هر اندام تن،  
پایداری در هر اندام تن،  
ارزانی داشت،  
و ه چه بینایی!  
آن که ماهی «کر» دارد  
و از ژرفای هزار قد آدم  
در رود «ارنگ» دورکنار  
جنبشی را به اندازه موی  
بر روی آب می‌باید.

۶. وه چه بینایی!  
آن که اسب نر دارد  
و در تیرگی شب  
که باران بارد و برف ریزد  
تگرگ افتد و بوران آید  
از آن سوی نه میدان  
مویی از اسب را  
بر زمین باز شناسد  
که از یال است یا از دم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

۷. وه چه بینایی!  
که شاهین زرین طوق دارد  
و سنگی به بزرگی مشت  
از آن سوی نه کشور می‌بیند  
گرچه چون سوزنی بدرخشد  
گرچه چون سر سوزنی باشد.

۸. گرامی باد، گرامی  
دانش درونی مرزا داده!

آن را بستود هووی راستکار دانش جو  
که بهره نیکی از اشو زرتشت می خواست  
تا اندیشه و گفتار و کردار خود را  
بر آیین دین استوار سازد.

۹. گرامی باد، گرامی  
دانش درونی مزدا داده!  
آن را بستود پیشوای دینی  
که دور از میهن گمارده شده،  
او هوش و حافظه  
نیرو و تندرستی  
از برای خدمت به دین خواست.

۱۰. گرامی باد، گرامی  
دانش درونی مزدا داده!  
آن را بستود پیشوای کشور.  
او از برای کشور آشتی  
و از برای مردم تندرستی خواست.

۱۱. می ستایم  
ارج و دوستی  
نیرو و چستی  
دانش درونی مزدا داده را  
که درست ترین است و راستین.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله جامع علوم انسانی